

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

مقدمه

بحث پیرامون شبهات منسوب به مرحوم آخوند خراسانی بود. بیان شد که بسیار بعید است مرحوم آخوند چنین مطالبی را فرموده باشد. در عین حال در جواب به این شبهات - با فرض چنین انتسابی - چند شبهه از شبهات مطرح شده را پاسخ دادیم.

شبهه سوم پیرامون انکار حکومت دینی

شبهه سوم از شبهات نسبت داده شده به مرحوم آخوند این طور نقل شده است که: "مسندی که ما بر آن تکیه زده ایم مهم ترین سنگر مبارزه با فساد باید باشد، مسندی که حکام بر آن تکیه زده اند، مهم ترین مرکز اشاعه فساد است. اگر ما جای حکام را بگیریم، هم سنگر مبارزه با فساد را از دست می دهیم و هم در آن جایی قرار می گیریم که مرکز نشر فساد است و بلکه خود فاسد می شویم." [1]

[باید توجه داشت که] این تعابیر و این ادبیات، عمدتاً در زمان ما مطرح شده و در زمان مرحوم آخوند [چنین ادبیاتی مطرح] نبوده است. متأسفانه در زمان ما گاهی اوقات نسبت هایی [ناصواب] به افرادی که از جهت علمی و عملی مورد قبول هستند، داده می شود. مثلاً شبیه همین نسبتی که به مرحوم علامه طباطبائی رحمه الله علیه داده شده که ایشان فرموده: "این انقلاب یک شهید دارد و آن هم اسلام است"، [2] این نسبتی است که اصلاً اساسی ندارد. هیچ وثوقی به گوینده نیست و با مبانی علامه طباطبائی در المیزان هیچ سازگاری ندارد. نسبت به مرحوم آخوند هم این [گونه] نسبت ها وجود دارد.

خلاصه [شبهه منتسب به آخوند] این است که روحانیت در جایگاه مبارزه با فساد قرار دارد و حکام در جایگاه اشاعه فساد هستند؛ اگر یک روزی حکومت حکومت اسلامی [تشکیل] شد و روحانیت بر مسند حکام نشست، علاوه بر آنکه جایگاه مبارزه با فساد را از دست می دهد، خود نیز فاسد می شود. این اشکالی است که اینجا [جناب اکبر ثبوت از زبان] مرحوم آخوند [مطرح و مستند کرده به تعابیری مانند]: «اذا فسد العالم فسد العالم» [3] که قبلاً اشاره کردیم. و «اذا زلّ العالم زلّ بزلته عالم». [4] مطالب دیگری [نیز بیان داشته که در ادامه مطرح می گردد].

پاسخ به شبهه

پاسخ اول؛ ایجاد بسط ید در حکومت دینی

[اشاره شد] که بسیار بعید این اشکال است از مرحوم آخوند، مطرح شده باشد. روحانیت به عنوان اینکه پایگاه دین است، با فساد مبارزه می کند. اگر این روحانیت مبسوط الید شد و بخواهد به وظیفه واقعی خودش عمل کند، دایره مبارزه با فسادش گسترده می شود نه محدود؛ [زمانی که] روحانیت که مبسوط الید نبود نهایت در یک روستا یا مسجدی می توانست یک نماز جماعتی برپا کند یا سخنرانی کند و فریادی بزند - البته در بعضی از زمان ها نیز، بعضی از روحانیون در محل خودشان اجرای حدود الهی می کردند-، این روحانیتی که خاصیتش این است که اگر فساد در جایی مطرح باشد وظیفه ی اولیه اش مبارزه با فساد است، اگر مبسوط الید گردد و در مسند حکومت قرار بگیرد، از یک سو وظیفه اش دو چندان شده و از سوی دیگر مبارزه

با فسادش خیلی گسترده‌تر می‌شود. اگر آن زمان [گستره مبارزه با فسادش] در یک روستا یا شهری بوده، وقتی در مسند حکومت قرار بگیرد، مبارزه با فسادش جهانی شده و اختصاص به کشور خودش نیز نخواهد داشت. شاهد آن همین نظام فعلی ماست. این مبارزه با اسرائیل را ببینید؛ آن زمانی که اسرائیل روی کار آمد مراجع در حد یک اعتراض یک چیزی نوشتند، یک بیانیه نوشتند و در نهایت یک مجلسی هم گرفته باشند. اما بیش از این چه کار می‌توانستند انجام بدهند؟ در پرتو این نظام اسلامی بود که این مقاومت و جبهه مقاومت شکل گرفت، هرچند نظام اسلامی نیز هزینه داد و چهره‌های بسیار مهمی را از دست داد. اما واقعاً آنچه مهم است این است که قبل از تشکیل حکومت اسلامی و جمهوری اسلامی، اسرائیل یک‌ه‌تاز منطقه بود و نیز حکومت ایران یکی از عواملش بود. دنبال این بود که تمام مناطق خاورمیانه را بگیرد و این جزء برنامه‌هایش بود. حالا آن‌گونه که تحلیلگران دقیق مطرح می‌کنند آمریکا این مهره [5] را در خاورمیانه گذاشت تا خیالش از خاورمیانه راحت گردد تا آنگاه به سراغ نقاط دیگر دنیا برود؛ ولی فلج شده است. جایی که با چوب و سنگ در مقابل تانک‌ها می‌رفتند، [6] امروز به این جا رسیده که با آنها با موشک‌های درجه اول پیشرفته مقابله می‌کنند. این از برکت حکومت اسلامی بوده.

این سخن که بگوئیم اگر یک آخوندی در خانه‌اش بنشیند با فساد مبارزه می‌کند، اما اگر بیرون رفت و از همه قسمت‌ها اطلاع پیدا کرد، نمی‌تواند با فساد مبارزه نماید، سخنی ناصواب است. هر چند این تعبیر را درباره آخوند نباید کرد اما چنین استدلالی «مما یضحک به الثکلی» [7] است.

پاسخ دوم؛ انکار حکومت دینی، اجتهاد در مقابل نص

قبلاً نیز به نحو کلی اشاره شد که این اشکالات، شبهه‌ی در مقابل نص است. اجتهاد در مقابل نص است. ما نصوصی داریم که اسلام حکومت دارد، [8] نصوصی داریم که تنها حکومت مشروع حکومت اسلامی است، [9] حالا بگوئیم چون زمان، زمان غیبت است هزار سال، دو هزار سال، سه هزار سال، چون ما که نمی‌دانیم ظهور چه زمانی است؟ بگوئیم ظهور همین سال‌هاست و همین اوقات واقع خواهد شد؟! نمی‌دانیم ظهور چه زمانی است؟ [بنابراین نمی‌توانیم] بگوئیم خدای تبارک و تعالی می‌گوید شما دست روی دست بگذارید فساد هر چه می‌خواهد انجام بشود، شما نیز تقیه کنید، این سخنان قابل قبول نیست و ما آن بحث تقیه و روایات تقیه را هم جواب دادیم.

این اشکال، اجتهاد در مقابل نص است. اولاً، نفهمیدن معنای حقیقی حکومت است. ثانیاً، امروز اگر کسی در دنیا بخواهد قدرت داشته باشد باید حکومت داشته باشد. همه دعوای برای همین است. در جایی که ابر قدرت‌ها دخالت می‌کنند برای این است که می‌خواهند حکومت کنند تا قدرت داشته باشند. حال اگر این قدرت دست یک فقیه جامع الشرایط باشد، مبارزه با فسادش صد برابر و هزار برابر می‌شود. البته یک موانعی هم هست که عمده آن‌ها طراحی شده است تا نگذارند حکومت دینی موفق بشود؛ نگذارند پیروز بشود. چه فساد از این بالاتر که ده‌ها سال نمی‌گذاشتند یک ایرانی ابتکار و اختراع را مطرح کند؛ یا به میدان ابتکار و اختراع بپاید؛ فکر خودش را به فعلیت برساند. این خودش یکی از بزرگترین مظاهر فساد است. فساد که فقط دزدی و مسائل منافی عفت نیست! الآن که چهل و چند سال است حکومت دینی برپا شده، هر استعدادی بخواهد شکوفا می‌شود و به بالاترین نقطه می‌رسد. این از برکت حکومت اسلامی است.

عرض کردیم که عبارت «إذا فسد العالم فسد العالم» را اشتباه معنا می‌کنند، به این معنا نیست که اگر یک عالمی یک فساد جزئی کرد عالم فاسد می‌شود، «فسد العالم»، یعنی عالم به وظیفه واقعی خودش عمل نکند، یکی از وظایف واقعی‌اش تشکیل حکومت است، این را انکار کند و بگوید اسلام حکومت ندارد، این یکی از مصادیق مهم فساد است، روی اعتقاد ما. ممکن است یک آدم متدینی هم بگوید نه، من نفهمیدم که اسلام حکومت دارد، که او می‌شود جاهل قاصر. «إذا فسد العالم»، یعنی "من یعلم بأن للدين حکومت" این الآن علم دارد و اگر این را کتمان کند، "فسد العالم" و الا این گونه نیست که بگوئیم اگر یک عالمی یک غیبتی کرد عالم فاسد می‌شود. بلکه نعوذ بالله اگر یک عالمی به بیت المال دست درازی کرد، عالم فاسد می‌شود. مناسبت حکم و موضوع اقتضا می‌کند که این روایت را درست معنا کنیم.

ادامه شبهه سوم

در ادامه ایشان اشاره می‌کند به وصایای رسول خدا که به ابوزر فرمود: «یا اباذر اعلم أن کل شیء إذا فسد فالملح دواءه و اذا فسد الملح فلیس له دواء»، [10] در اناجیل حضرت مسیح به حواریین فرمود: شما نمک زمین هستید اگر نمک فاسد شود با چه چیز آن را اصلاح می‌کنند؟ لذا مراقب باشید که فاسد نشوید [11]، یا کلامی را از امیرالمؤمنین علیه السلام نقل می‌کند که خطاب به مردم کوفه فرمود: «إنی لعالم بما یصلحکم و یقیم ابدکم و لکنی لا اری اصلاحکم بإفساد نفسی» [12] من اصلاح شما را نباید از راه افساد خودم درست کنم، اینها را در ادامه آورده‌اند.

ناسازگاری عبارات منسوب به آخوند با منظومه فکری ایشان

حالا یک کسی مثل مرحوم آخوند چنین مطالبی را بگوید؟ در زمان ما مطلبی مرسوم شده به نام منظومه فکری. این مطالب به منظومه فکری آخوند نمی‌خورد، این حرف زدن‌ها برای یک طلبه بی‌سواد خوب است، برای یک طلبه معمولی و آدمی که «یتشبث بکل حشیش»، [13] یک روایت از آنجا بیاورد و یک چیزی از آنجا بیاورد برای یک حرف باطل، این مطالب به منظومه فکری آخوند نمی‌خورد. کسی که کفایه آخوند، حاشیه آخوند بر رسائل و حاشیه آخوند بر مکاسب دستش هست، می‌فهمد که این مطالب اصلاً به منظومه فکری آخوند نمی‌خورد. [علاوه بر اینکه بخواهد] چنین مطالبی را در مقابل نائینی بیاورد! یعنی آیا واقعاً اینها جواب از استدلال‌های مرحوم نائینی است که استدلال‌هایی محکم کرده بر اینکه باید حکومت اسلامی تشکیل بشود؟! این سخن که اگر نمک بگندد، چکارش می‌کنند؟ اینها شد جواب؟!

یکی از مهم‌ترین محرمات کتمان است. قرآن کریم می‌فرماید: «إن الذین یتکمون ما انزلنا من البینات» [14]، اینها مورد لعن خدا قرار می‌گیرند یعنی یک فساد است، اگر کسی ما انزل من الله را کتمان کند، آنچه خداوند فرستاده که ولایت برای خدا و رسول و ائمه معصومین علیهم السلام و سپس در زمان غیبت نیز برای فقیه جامع الشرایط است – که یکی از مسائل مهم قرآنی و دینی است –، اگر کسی این را انکار یا کتمان کند، این مورد لعن خداوند است.

بعد از آن دعوایی که بین آخوند و مرحوم سید محمد کاظم یزدی – صاحب عروه – شد. و علما هم دو گروه شدند؛ نائینی نامه‌ای می‌نویسد به مرحوم آخوند و می‌گوید شما بیائید دست از این حرف بردارید، بحث حکومت اسلامی، آنجا ادله ولایت فقیه و تشکیل حکومت اسلامی را می‌آورد و به آخوند پیشنهاد می‌دهد که اگر شما این حرف را بزنید سید محمد کاظم نیز طرفدار شما می‌شود و بیا این مطلب را مطرح کن. بر اساس این نوشته که ده دوازده اشکال دارد [15]، آخوند این اشکالات را در مقابل آن حرف نائینی به ایشان می‌زند.

آخوند در همین جواب نیز می‌گوید در عین اینکه مطالب شما از جهت علمی درست است اما یک محاذیری دارد، توالی فاسدهای دارد که آن را ذکر می‌کند. مثلاً این اسامی‌ای که برای مغازه‌ها وجود دارد اینها را با 50 سال پیش مقایسه کنید، یکی از این اسامی را به شما بدهند بگویند 50 سال پیش بوده قبول نمی‌کنید و می‌گوئید این در زمان ما تولید شده. به قول امروزی‌ها این ادبیات زمان ماست. اینجا این عبارت را ایشان گفته علاوه بر این اگر ما به نام اسلام و شرع حکومت تشکیل دهیم و اگر مراجع و علمای دین متصدی امور حکومتی شوند به معنای این است که ما سرنوشت اسلام و مرجعیت را به یک حکومت پیوند بزنیم. چیزی که در زمان ما می‌گویند و این بسیار خطرناک است. چون هر حکومتی دیر یا زود به فساد می‌گراید و سقوط می‌کند، «الدولة کما تقبل تدبر» [16]، «و لكل دولة برهة» [17] و «تلك الايام نداولها بین الناس»، [18] بعد آن گاه حکومتی که به نام اسلام تشکیل شود و مراجع و علمای دین متصدی آن باشند، وقتی به فساد گرایید این امر، یعنی به فساد گراییدن و سقوط اسلام و مرجعیت و روحانیت و این بدترین پیامد ممکن است. بعد آخوند اشاره می‌کند که شما می‌دانید تسلط موبدان بر ارکان حکومت ایران در عصر اکاسره (ساسانیان) تباهی‌های بسیاری در پی داشت و نتیجه آن اعراض مردم از آئین مجوس به زرتشتی بود، پشت کردن مردم به حکومت و افول ستاره مجوسیت برای همین بود. در حالی که [چنین برداشتی صحیح نیست] و مسئله مجوسیت بعد از اینکه اسلام به ایران آمد از بین رفت نه به خاطر آن قضایا. این مدعا از جهت تاریخی غلط است. آن زمان

موبدان یا جزئی از حکومت در قصر پادشاهان بودند یا خودشان حکومت داشتند، اینطور نبود که حکومت آنها سبب بشود که مجوسیت از بین برود. وقتی اسلام به ایران آمد مجوسیت از بین رفت.

تناقض عدم جواز تصدی حکومت و وجوب تصدی منصب قضاء

برای اشکال سوم - که قبلاً نیز گفتیم -، یک نقض خیلی مهمی وجود دارد و آن هم باب قضاوت است. بالأخره آنهایی که منکر حکومت اسلامی در زمان غیبت هستند، شأن قضاوت را برای فقیه می‌دانند، ما بگوئیم اگر فقیه رفت قاضی شد، منصب قضا منصبی است که در آن دعوا و نزاع وجود دارد و مردم کم‌کم از فقها رو برمی‌گردانند، پس فقیه قضاوت نکند. چه کسی به این ملتزم می‌شود؟ از این نقض بهتر؟

عدم ارتباط دین‌گریزی با حکومت دینی

وقتی شما می‌گوئید اگر دین متصدی حکومت شود و وقتی درست عمل نکرد، مردم از دین زده می‌شوند. البته اینها حرف‌های زمان ماست که این تعبیر دین‌گریزی را خیلی رواج می‌دهند. حرف ما این است که اگر واقعاً این انقلاب نبود، دین‌گریزی نبود؟ اگر حکومت طاغوت ادامه پیدا می‌کرد دین‌گریزی نبود؟ آیا دین‌گریزی از زمانی شروع شد که این انقلاب به وجود آمد؟ این چه حرفی است؟ خود این هم یکی از نقشه‌های دشمن است؛ ما قبول داریم نسل امروز متأسفانه خیلی تمایلی به دین ندارد ولی این معلول این انقلاب نیست. علت‌های زیادی دارد که باید جامعه شناسان علل آن را بررسی کنند. مگر در این انقلاب چه شده که جوان‌ها بخواهند از دین‌گریزان باشند؟ این انقلاب می‌گوید این قانون الهی است؛ قرآن قانون الهی است، این دستورات خداست، باید دستورات خدا پیاده شود؛ بلکه روشن است که در صورت ناکارآمدی از مسئولین گریزان می‌شوند. روشن است که خیلی از مسئولین بد عمل کردند. من در یک صحبتی که یکی از مسئولین به ملاقاتم آمده بود، گفتم: واقعاً در آسیب شناسی باید به این نکته اعتراف کرد که در این چهل و شش سال آن مقداری که ما از نبود علم و نبود تخصص ضربه خوردیم، از نبود تعهد ضربه خوردیم. از اول نیامدند افراد متخصص را در رأس یک کاری بگذارند. هر کسی را دیدند یک مقدار نماز می‌خواند و لحيه‌ای دارد مسئولیت مهمی دادند که این بلا بر سر ما آمده است. آقایی را آوردند در مسند اجرایی کشور قرار دادند که من خبر دارم بازرسی همان زمان نامه نوشته بود که این به درد یک بخش‌داری هم نمی‌خورد؛ آوردند در رأس قرار دادند. خیلی از وزرا، مدیر کل‌ها همین‌طور، الآن هم همین‌طور است. این اشتباهات شده ولی کجای این به دین ربط دارد؟ حکومت دین سبب گریزان جوان‌ها از دین نشده، این مغالطه را ما باید حل کنیم و نگذاریم این مغالطه جا بیفتد. ما قبول داریم امروز یک بخش قابل توجهی - البته نمی‌گوئیم اکثر -، جوان‌ها نسبت به دین زاویه دارند. ما اگر نتوانیم این را درست حل کنیم، روشن است که از دانشگاه‌ها توقعی نیست. اگر امروز پرسند آیا جوان‌ها در این زمان یک بخش قابل توجه‌شان از دین‌گریزان شدند؟ می‌گوئیم بله، اگر کسی این را انکار کند یک امر واقعی [را انکار کرده است] مشخص است که اینطور هست و دین‌گریزی وجود دارد. اما آیا این دین‌گریزی معلول انقلاب و معلول حکومت دین است؟ یا اینکه عملکرد مسئولین هم یک بخشی از آن است و یک جزء العلة است.

شما نمی‌دانید این فضای مجازی چه بلایی سر جوان‌ها می‌آورد؛ نه حیا گذاشته برای انسان، نه اخلاق گذاشته برای انسان، نه حد و حدودی گذاشته، همه چیز را از بین برده است. ما با چنین فضای مجازی که واقعاً با یک هیولایی که لا تعد و لا تحصی افساد می‌کند، مواجه هستیم. همین مقدار که باز هم بخشی از جوان‌ها در مسیر اعتکافند، بخشی از جوان‌ها در مسیر قرآنند، بخشی از مردم در نمازهای جمعه هستند واقعاً همین قدر هم معجزه است. از نظر دشمنان نباید همین مقدار هم باشد. شما ببینید این فضای مجازی چه بلایی به سر خانواده‌ها - حتی خانواده‌های متدین -، آورده است؟ بگوئیم انقلاب سبب شده؟ حکومت دین سبب شده؟ این مغالطه است. من خیلی محترمانه می‌گویم - مغالطه -، بلکه قطعاً توطئه است تا که بگویند دین، سراغ حکومت نرود؛ برای اینکه اعتبارش از بین می‌رود. یعنی چه؟ این دین بود که آمد آزادی را درست به جوان‌ها یاد داد، استقلال را در این کشور آورد، این جبهه مقاومت را درست کرد، همه اینها به برکت حکومت دینی بوده و چیز دیگری نبوده است. کسی از ایران نمی‌خواست برود سوریه یا جای دیگر حکومت کند. مگر ایران که از فلسطین حمایت می‌کند، می‌خواهد در آنجا حکومت نماید؟ حکومت اسلامی انسانیت را به بشر امروز یادآوری کرد و گفت تو انسانی مراقب حقوق خودت باش و نگذار کسی به تو ظلم کند. نگذار آن ارزش‌هایت را کسی از بین ببرد. اینها به برکت این حکومت اسلامی بوده است. البته گرفتاری‌ها و مسائل

اقتصادی و اختلاس‌ها هم متأسفانه بوده، ولی چرا ما اینطور مغالطه کنیم؟ ما طلبه‌ها [باید] تسلیم این حرف نشویم. در حوزه اطلاعاتیه می‌دهند که معلوم شد که دین نمی‌تواند حکومت کند. این چه نتیجه‌ای است که نه به وجدانت می‌توانی جواب بدهی و نه در قیامت می‌توانی در پیشگاه خدا جواب بدهی؟ چرا دین خدا را اینقدر بی‌ارزش می‌کنی. بگو این آدم بلد نبود حکومت کند؛ فلان مسئول نتوانست؛ ولی نگو دین نمی‌تواند حکومت کند. [این نسبت‌ها] به این معناست که دین یک دین منفعل ضعیف به درد نخور است. شما که عده‌ی زیادتان هم طرفدار مهدویت کاذب هستید، چطور حکومت حضرت مهدی را توجیه می‌کنید؟ ایشان هم که بعداً ان شاء الله بیايند "و رزقنا الله رؤيته" می‌خواهد حکومت کند. چگونه با این برداشت که خاصیت حکومت این است که مردم از دین گریزان می‌شوند، حضرت تشکیل حکومت خواهد داد. چطور آن زمان دین توسعه پیدا خواهد کرد، یأتی بدین جدید.

علی ای حال این مغالطه‌ها را مراقب باشیم، روز به روز این انتساب‌ها بیشتر می‌شود، فلان عالم این را گفته، آنهایی که دست‌شان از دنیا کوتاه است، رفتند سراغ مُرده‌ها و یک نسبت‌هایی می‌دهند برای اهداف خودشان.

و صَلَّى اللهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

پاورقی

- [1]. جزوه آقای اکبر ثبوت، بخشی از مناظرات مرحوم آخوند خراسانی و مرحوم میرزای نائینی، ص 9.
- [2]. اکبری آهنگر، رضا و خضاب، وحید، تاریخ شفاهی (ماجرای علامه و انقلاب، تقابل یا حمایت؟)، قم: انتشارات شهید کاظمی، 1401 ش، ج 1، ص 9: «این انقلاب یک شهید داشت و آن هم اسلام است».
- [3]. این معنا از حدیث منقول در کتاب خصال شیخ صدوق، ج 1، باب الإثنین، ص 37، قابل اصطیاد است: قال رسول الله صلى الله عليه وآله «صنفان من أمتي إذا صلحا صلحت أمتي وإذا فسدا فسدت أمتي قيل يا رسول الله و من هما قال الفقهاء و الأمراء».
- [4]. کتاب مجمع الأمثال، ص 44 و صدرالدین شیرازی (ملاصدرا)، محمد بن ابراهیم، شرح أصول الكافي (صدرا)، تهران: مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، 1383 ش، ج 2، ص 119.
- [5]. رژیم صهیونیستی
- [6]. مبارزان فلسطینی
- [7]. ضرب‌المثلی عربی که فقیهان در مقام بیان ضعف یک استدلال، آن را به کار می‌برند.
- [8]. حضرت امام رحمه الله علیه در کتاب البیع می‌فرمایند: «الإسلام هو الحكومة بشؤونها، و الأحكام قوانین الإسلام، و هی شأن من شؤونها، بل الأحكام مطلوبات بالعرض، و أمور آلیّة لإجرائها و بسط العدالة». (کتاب البیع، ج 2، ص 633).
- [9]. در مقبوله عمر بن حنظله، امام صادق (ع) می‌فرمایند: «من كان منكم قد روى حديثنا و نظر فی خلالنا و حرامنا و عرف احكامنا فليرضوا به حکما فانی قد جعلته حاکما علیکم فاذا حکم بحکما فلم یقبل منه فانما استخف بحکما و علینا راد والراد علینا کالراد علی الله و هو علی حد الشرک بالله» (اصول کافی، ج 1، ص 67)
- [10]. ورام بن أبی فراس، مسعود بن عیسی، تنبیه الخواطر و نزہة النواظر المعروف بمجموعة ورام، قم: مکتبه فقیه، 1410 ق؛ ج 2، ص 59.
- [11]. انجیل متی، 13: 5.
- [12]. نهج‌البلاغه (صبحی صالح)، ص 99.
- [13]. آدم در حال غرق به هر خار و خاشاک برای نجات خود چنگ می‌زند.
- [14]. بقره: 159.
- [15]. در جزوه آقای اکبر ثبوت بیست و یک اشکال مطرح شده است.
- [16]. غرر الحکم و درر الکلم: 1226.
- [17]. غرر الحکم و درر الکلم: ۷۲۸۵.

